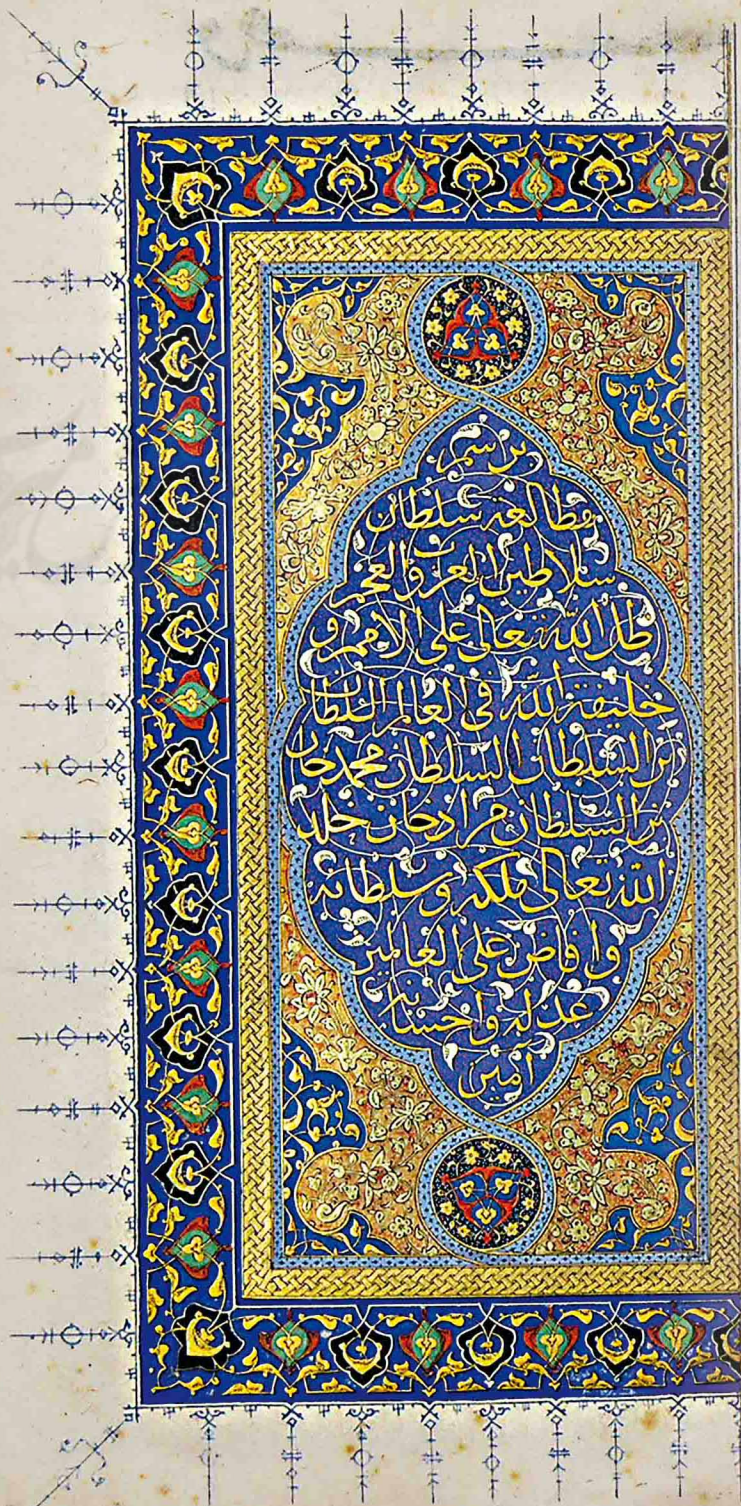


# گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱ [انتشار: زمستان ۱۴۰۳]

- جلال متینی و خدمات او به میراث مکتوب فارسی ● تخبیر الکلام، اثری نویافته از سیف‌الدین اسفرنگی در سبب نزول بعضی از آیات قرآن / بهروز ایمانی
- یادمانی از دوره سلجوقی در حلب / احمد عاصبار ● برخی واژه‌ها و اصطلاحات مغولی در الواسیل الی الریاسیل / علی صفی آق‌قلمه ● به نیروی بازوی کیخسروی: درباره نام گرجی الهوردی خان / محمدصادق میرزاابوالقاسمی ● برای محافظت و از روی مهرورزی: اعمال عاطفی در نقاشی‌های نسخه‌های خطی ترکی - ایرانی دوران مدرن متقدم / کریم‌تین گروبر، ترجمه: نسترن بجایی ● سه یادداشت ریشه‌شناسی: بشکول، بزکول، بشول، بشول، بزکول، بشکولین؛ دیزه؛ بلج / حسن رضایی باغ‌بیدی، ترجمه: میلاد یگلدو ● شواهدی بر درستی ترجمه بنداری از «ماده سهر» به «ناقه بنت ثلاثین» / حسین شهرابی ● درباره مفردات و رباعیات حسینعلی میرزا فرمان‌فرما / علیرضا خزایی ● درآمدی بر محصلات فهرست‌نویسی نسخ خطی فارسی در لهستان؛ نگاهی گذرا به نسخ خطی بهار دانش در ورشو و طوطی‌نامه در ورسلاو / ستاسواف آدام یاشکونسکی ● اشعار نویافته خالص استرآبادی / سید هادی میرزایی ● درنگی بر تصحیح احسن القصص؛ سنجش متن تصحیح‌شده احسن القصص با نسخه اساس (محفوظ در کتابخانه چلبی عبدالله ترکیه) / سید رضا موسوی هفتاد ● نقد و بررسی تفاوت ضبط‌های زرین‌قنانه با دست‌نویسی نویافته / صادق ارشی ● ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۵) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ● زندگی و آثار فریدون بیگ / نصرالله صالحی



## فهرست

### سرتن

جلال متینی و خدمات او به میراث مکتوب فارسی..... ۳-۴

### بسمه

- تخیر الکلام، اثری نویافته از سیف‌الدین اسفرنگی در سبب نزول بعضی از سوره و آیات قرآن /  
بهروز ایمانی ..... ۵-۹
- یادمانی از دوره سلجوقی در حلب / احمد خاچه‌یار ..... ۱۰-۱۲
- برخی واژه‌ها و اصطلاحات مغولی در الواسیل الی الرسایل / علی صفری آوقلعه ..... ۱۳-۱۹
- به نیروی بازوی کیخسروی: درباره نام گرجی اللوردی خان / محمّدصادق میرزا ابوالقاسمی ..... ۲۰-۲۲
- برای محافظت و از روی مهرورزی: اعمال عاطفی در نقاشی‌های نسخه‌های خطی ترکی - ایرانی دوران  
مدرن / مقدم / کریستین گرویر: ترجمه: سرتن نجانی ..... ۲۳-۵۰
- سه یادداشت ریشه‌شناختی: بشکول، پزکول، بشول، پزگول، بشکولیدن؛ دیزه؛ بلوچ / حسن رضایی باغبیدی:  
ترجمه: میلاد بیگلر ..... ۵۱-۵۴
- شواهدی بر درستی ترجمه بنداری از «ماده سهر» به «ناقه بنت ثلاثین» / حسین شهرابی ..... ۵۵-۶۳
- درباره مفردات و رباعیات حسینعلی میرزا فرمان‌فرما / علیرضا خزایی ..... ۶۴-۶۹
- درآمدی بر معضلات فهرست‌نویسی نسخ خطی فارسی در لهستان: نگاهی گذرا به نسخ خطی بهار دانش  
در ورشو و طوطی‌نامه در ورسلاو / ستانیسواف آدام باشکوفسکی ..... ۷۰-۸۰
- اشعار نویافته خالص استرآبادی / سیده‌های میرآقایی ..... ۸۱-۸۷

### نقد و بررسی

- درنگی بر تصحیح احسن القصص؛ سنجش متن تصحیح‌شده احسن القصص با نسخه اساس (محفوظ در  
کتابخانه چلبی عبدالله ترکیه) / سیدرضا موسوی هفتاد ..... ۸۸-۹۹
- نقد و بررسی تفاوت ضبط‌های زرین‌قبانامه با دست‌نویسی نویافته / صادق ارشی ..... ۱۰۰-۱۱۳

### پژوهش‌های باستان‌شناختی

- ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۵) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۱۴-۱۱۷

### ایران در متون و منابع عثمانی (۲۸)

- زندگی و آثار فریدون بیک / نصرالله صالحی ..... ۱۱۸-۱۲۲

### صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

### نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و  
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.com

gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: دست‌نویسی مورخ ۸۷۰ق از تحریر  
المجسطی، اثر نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن  
الطوسی (۵۹۷-۶۷۲ق)، که به رسم خزانه سلطان محمد  
فاتح (۸۴۸-۸۸۶ق) انتساخته شده و اکنون به شماره  
۱۳۶۰ در مجموعه فیض‌الله افندی در کتابخانه ملت  
(استانبول) نگهداری می‌شود.

## راهنمای نویسندگان و خوانندگان

- آرای مندرج در نوشته‌ها لزوماً منطبق با نظر گزارش میراث نیست.
- گزارش میراث در پذیرش و ویرایش مقالات مختار است.
- نقل مطالب این نشریه با ذکر مأخذ مجاز است.
- مقالاتی که پذیرفته نشده‌اند، بازگردانده نمی‌شوند.
- نسخه ویراسته و نهایی مقالات، حتی المقدور با تأیید نویسندگان به چاپ خواهد رسید.

### از نویسندگان می‌خواهیم به نکات زیر توجه فرمایند:

- مقالات ارسالی نباید پیش‌تر در نشریه‌ای منتشر، یا همزمان به نشریات دیگر تحویل شده باشد؛ در غیر این صورت، مجله از چاپ دیگر مقالات نویسنده معذور است.
- نوشته‌های خود را به صورت تایپ‌شده با نرم‌افزار Word و به نشانی [gozaresh@mirasmaktoob.ir](mailto:gozaresh@mirasmaktoob.ir) بفرستید.
- تصاویر، جدول‌ها و نمودارها جداگانه و با فرمت JPEG یا TIFF ارسال شوند.
- به همراه مقالات مترجم، رونوشت متن اصلی و اطلاعات کامل کتاب‌شناختی مقاله ترجمه‌شده فرستاده شود.
- در مقالات نقد و بررسی، لازم است تصویر روی جلد کتاب، نیز مشخصات کتاب‌شناختی آن درج شود؛ شامل موارد زیر:
  - نام مؤلف. عنوان کتاب. نام مصحح/ مترجم. محل چاپ: ناشر، سال چاپ.
  - ارجاعات به صورت زیر تنظیم شود:
    - نام خانوادگی، تاریخ انتشار: [جلد/ شماره صفحه (مثلاً: افشار، ۱۳۸۹: ۲۱۲)].
    - تبصره: اگر ارجاع بعدی به اثری دیگر از همان نویسنده باشد، به جای نام خانوادگی: همو؛ اگر ارجاع بعدی به همان کتاب باشد، به جای نام خانوادگی و تاریخ نشر: همان؛ اگر ارجاع بعدی عین ارجاع قبلی باشد: همانجا.
  - کتابنامه در پایان مقاله به ترتیب الفبایی، بر اساس نام خانوادگی یا نام شهر مؤلفان، بدین شیوه تنظیم شود:
    - کتاب: نام خانوادگی/ نام شهر، نام (تاریخ انتشار). عنوان کتاب. [نام مترجم، مصحح و...]. [شماره ویراست]. محل نشر: ناشر. (مثلاً: آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۷). چالش میان فارسی و عربی. ویراست دوم. تهران: نشر نی).
    - مقاله در مجله: نام خانوادگی، نام (تاریخ انتشار). «عنوان مقاله». [نام مترجم]. نام نشریه، دوره یا سال، شماره: شماره صفحات. (مثلاً: صادقی، علی اشرف (۱۳۶۸). «یک قاعده آوایی». مجله زبانشناسی، سال ششم، ش ۲: ۶۲-۷۴).
    - مقاله در دانشنامه، مجموعه مقالات و...: نام خانوادگی، نام (تاریخ انتشار). «عنوان مقاله». [نام مترجم]. در: نام دانشنامه/ مجموعه مقالات. زیر نظر/ به کوشش. محل نشر: ناشر. شماره صفحات. (مثلاً: خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۱). «اهمیت و خطر مأخذ جنبی در تصحیح شاهنامه». در: سخن‌های دیرینه. به کوشش علی دهباشی. تهران: افکار. ص ۲۸۵-۳۱۲).
    - دستنویس: نام شهر، نام. عنوان کتاب. شماره دستنویس و کتابخانه. تاریخ کتابت. نام کاتب. (مثلاً: نیشابوری، معین‌الدین محمد بن محمود. بصائر یمنی. دستنویس ش ۳۵۸۴ کتابخانه ملی تبریز. مورخ پنجشنبه ۴ جمادی الاول ۶۸۰ق. به خط ابی‌الخیر محمد بن ابی‌بکر خراسانی تفتازانی.)

## ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۵)

سید احمد رضا قائم‌مقامی

دانشگاه تهران  
qaemmaqami@ut.ac.ir

### ۱۵. سر، سار

در فارسی سر یک گونهٔ سار نیز دارد که فقط در جزء دوم ترکیبات به کار رفته است.<sup>۱</sup> این دست ترکیبات را می‌توان به لحاظ معنایی و صوری به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آن ترکیباتی که معنای «دارای سری چون (سر) ...» دارند:

ازدهاسار (صفت گرز)، اسپسار (موجودات افسانه‌ای با سر اسپ)، دیوسار (رک. ادامهٔ بحث)، زاغسار (صفت تازیان در یک بیت شاهنامه)، زنگی سار، سگسار (موجودات افسانه‌ای با سر سگ)، گاوسار (صفت گرز)، گرگسار (موجودات افسانه‌ای با سر گرگ)، میش سار (صفت تختی که بخشی از آن را چون سر میش ساخته‌اند)

کلماتی مانند دیوسار و گاوسار گونهٔ دیوسر و گاوسر نیز داشته‌اند. در دیوسار و زنگی سار، سار مجازاً معنای «چهره» نیز گرفته است.

۲. آن ترکیباتی که در آن‌ها سار به مجاز معنای «مغز» و

«عقل» و «ذهن» و توسعاً «خلق و خوی» و «سیرت» دارد. جزء اول این ترکیبات ممکن است صفت یا اسم باشد. معنای این دسته نیز مالکیت است:<sup>۲</sup>

آسیمه سار، بادسار (ظاهراً در اصل «کسی که در سر باد دارد»)، خجل سار، خیره سار، دیوسار («آن‌که خوی دیوان دارد»؛ قس مردم سار)،<sup>۳</sup> دیوانه سار، زیرکسار، سبکسار («سفیه»، «نادان»، «شتابکار»)، شرمسار (شاید در اصل «آن‌که در ذهن خود از کاری شرم دارد»)

در این دسته نیز بعضی کلمات گونهٔ دیگری نیز داشته‌اند که با سر ساخته شده است، مانند آسیمه سر و خیره سر و سبکسر.

۳. آن ترکیباتی که در آن‌ها سار معنای «سر»، و به مجاز «موی»، دارد و جزء اول صفت است. معنای ترکیب مالکیت است:

خشن سار (نوعی مرغابی، ظاهراً با سر خشن یعنی سبزرنگ)، سپیدسار، خنگسار (هر دو به معنای «سپیدموی»، «پیر») نگو سار و نگو سار را نیز می‌توان در این دسته آورد، یعنی «آن‌که سر او نگو ن شده است»، «آن‌که سری دارد که نگو ن شده است» (قس. سرنگون). به عبارت دیگر، این نیز ترکیبی ملکی است مانند نگو ن بخت. اما به نظر می‌رسد که سرنگون به مرور معنای «واژگون» گرفته و سرنگونسار را به نحو ثانوی از روی این معنای جدید ساخته‌اند. با این همه، این احتمال هم هست که سار در نگو سار در اصل معنای «جهت، سو» را می‌رسانده و اگر چنین باشد، می‌توان احتمال داد که سرنگون ساخت ثانوی داشته باشد (رک. ادامهٔ بحث).

۴. آن ترکیباتی که در آن‌ها سار معنای «سر» دارد، جزء اول اسم است، ولی احتمالاً در بعضی کاربردها معنای صفتی از آن اراده می‌شده است. از این دسته آنچه به نظر نویسنده رسیده خاکسار است که ظاهراً مقصود از آن یا کسی است که سرش به خاک افتاده و سرافکننده و فروافکننده و خوار شده است<sup>۴</sup> یا کسی که گردآلوده است (به جهت معنای اخیر رک. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل لغت).

۵. آن ترکیباتی که در آن‌ها سار معنای «سر» دارد و جزء اول مضاف‌الیه آن است:<sup>۵</sup>

چاه سار، چشمه سار، شاخسار، کوهسار (و کھسار) به خلاف آنچه در فرهنگ‌های قدیم گفته‌اند، در هیچ یک از این کلمات سار پسوند مشابهت یا مکان نیست. مع هذا این هست که معنای این کلمات به مرور تغییر

۱. کلمات فارسی مورد استناد در این جا همه از لغت‌نامهٔ دهخدا گرفته شده‌اند.  
۲. این‌ها همان ترکیباتی هستند که به آن‌ها در اصطلاح دستور زبان هندی bahuvrīhi می‌گویند.  
۳. دیوسار به هر دو معنی که در این سطور گذشت به کار رفته است؛ رک. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل لغت.  
۴. این معنای منفی کلمه است. معنای مثبت کلمه «فروتن» و «افتاده‌حال» است.  
۵. این دسته همان ترکیباتی هستند که در دستورهای هندی به آن‌ها tatpuruṣa می‌گویند. تیمسار را ظاهراً بر روی همین الگو ساخته‌اند، ولی از سار آن معنای «رئیس» را خواسته‌اند.

که با sār- ساخته شده، جز خشن سار، در متون پهلوی اشکانی مانوی به کار رفته است):<sup>۸</sup>

āfrī(wa)n-sar («رئیس گروه همنوایان»)، nigū-sār («نگوسار»)،  
xān-sār («چشمه‌سار»)، احتمالاً قابل مقایسه با نام شهر خونسار در  
سطور قبل، xašēn-sār («خشن‌سار»):<sup>۹</sup>

از این کلمات، sar در āfrī(wa)n-sar معنای «سر، رئیس» دارد، در xān-sār ظاهراً همان است که در چشمه‌سار است به همان شرح که گذشت، و در nigū-sār ظاهراً همان حرف اضافهٔ پسین است که در سغدی استعمال دارد و معنای «جهت» و «سو» را می‌رساند. اگر چنین باشد، احتمال دومی که دربارهٔ این کلمه در سطور قبل گذشت ممکن است درست‌تر باشد.

sār در جزء اول ترکیب در sardār نیز، که گونهٔ دیگر sardār است (برابر با سردار و سالار فارسی)، به کار رفته و اگر به نحو ثانوی در ایرانی میانه ساخته نشده باشد، بازمانده از یک sāra- به معنای «سر» در ایرانی باستان است که در سطور بعد از آن سخن خواهیم گفت.

با توجه به این شرح، شاید بتوان احتمال داد که بیش‌تر کلمات فارسی ساخته شده با سار تا حدی نوآوری فارسی و حاصل قیاس بوده است. این را دربارهٔ کلماتی مانند اژدهاسار و دیوسار و زاغسار با اطمینان بیش‌تر می‌توان گفت.

۶. چنین است آن‌چه در فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (ج ۳، ص ۱۴۳۴) آمده. آن‌چه در ذیل سار در همان فرهنگ آمده (ج ۳، ص ۱۶۴۱) و جزء دوم کلمات خاکسار و سنگسار و شرمسار و کوهسار را همان به حساب آورده است به نظر ما سزاوار توجه نیست. احتمال دارد که رخسار و رخساره به‌کلی ربطی به سار مورد بحث ما نداشته باشد.

7. W. B. HENNING, "Sogdian Loan-words in New Persian," *Selected Papers*, I, 642.

سنگسار به معنای سنساره و «تناسخ» صورت سغدی sansāra- سنسکریت است.

۸. منبع کلمهٔ آخر بند ۲۵ رسالهٔ خسرو قبادان و ریdg است و منبع دیگر کلمات این فرهنگ است:

D. DURKIN-MEISTERERNST, *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Brepols, 2004.

۹. sār در hāw-sār به معنای «همسر» و «مانند» و hassār به همان معنی نیز ظاهراً چیزی جز sār به معنای «سر» نیست (این دو در متون فارسی میانه نیز شواهدی دارند). asangsār، اگر به معنای «سنگی» باشد، sār- در آن چیزی مانند پس‌وند مشابهت است، ولی در آن تردید است؛ در این باره رک.

E. MORANO, "A Survey of the Extant Parthian Crucifixion Hymns," in R. E. EMMERICK, W. SUNDERMANN and P. ZIEME (eds.), *Studia Manichaica*, Berlin, 2000, p. 410.

کرده است. در چشمه‌سار، که گونهٔ دیگر آن سرچشمه است، سار ظاهراً در اصل معنایی جز «سر» نداشته؛ در چاه‌سار نیز معنای اصلی ظاهراً «سرچاه» بوده است؛ از شاخسار نیز ظاهراً در اصل همان را اراده می‌کرده‌اند که امروز از سرشاخه اراده می‌کنند؛ و کوهسار در اصل معنای «سر کوه» داشته است. این کلمات به مرور معنای مطلق چشمه و چاه و شاخ و کوه یافته‌اند و احتمالاً بعضی از اهل زبان در جزء دوم آن‌ها چیزی مانند پسوند مکان می‌دیده‌اند.

۶. آن ترکیباتی که فقط شمار اندکی از نویسندگان و گویندگان به کار برده‌اند و ظاهراً در جزء دوم آن‌ها چیزی مانند پسوند «زار» دیده‌اند:

شخسار («زمین سفت و سخت»)، خشکسار («زمین خشک»)،  
نمکسار («نمکزار»)

گرمسار را در دورهٔ معاصر با همین تصوّر که سار پسوند مکان است ساخته‌اند. نامی مانند خوانسار (ظاهراً در اصل خانسار یا خونسار) و قیاس با گرمسیر مبنای این لغت‌سازی جدید بوده است.

۷. آن ترکیباتی که جزء دوم آن‌ها مبهم است یا رابطهٔ نحوی دو جزء آن معلوم نیست:

رخسار، سنگسار

این‌که سار در رخسار پسوند مشابهت باشد ممکن نیست<sup>۶</sup> و این‌که سنگسار لغت سغدی باشد و سار در آن حرف اضافهٔ پسین به معنای «سو» و «جهت» باشد، چنان‌که هنینگ زمانی گفته<sup>۷</sup>، محلّ تردید است، زیرا کلمات سغدی‌ای که سار (و سا) به معنای «سو» جزء دوم آن‌هاست، معنای «به‌سوی (جزء اول ترکیب)» دارند (مانند bēk-sār به معنای «به‌سوی بیرون»)، ولی این را نمی‌توان در مورد سنگسار گفت. احتمال دارد که سنگسار یک dvandva، یعنی یک ترکیب عطفی کهن به معنای «سنگ و سر»، باشد (مانند xwārbār، در کنار xwār ud bār در فارسی میانه، یا سکنگین در فارسی).

در فارسی میانه و پهلوی اشکانی شمار کلماتی که به این شیوه، با جزء دوم -sar یا -sār، ساخته شده‌اند ظاهراً اندک بوده است. از این چند کلمه می‌توان یاد کرد (کلماتی

چهاردهم و نندیداد به کار رفته‌است. این همان کلمه است که به صورت sār-wār و به همان معنی در فارسی میانه و پهلوی اشکانی نیز استعمال داشته‌است. این کلمه و sār-dār، که ذکر آن در سطور قبل گذشت، ظاهراً تنها کلماتی در ایرانی میانه غربی هستند که کلمه «سر» در جزء اول آن‌ها به صورت sār به کار رفته‌است، نه sar.

اما آن کلمات مرکبی که جزء دوم آن‌ها sārā- است عبارتند از: a-sārā-، pəšō-sārā-، starō-sārā-، jīrō-sārā- و a-sārā- در کلمه آخر sārā- معنای مجازی «رئیس» و «سرور» دارد و شاهد آن عبارتی است از فقره نوزدهم فصل اول و نندیداد و فقره پنجم از فصل دوم و نندیداد. a-sārā-، به معنای «بی‌سر، بی‌سرور و رئیس»، به لحاظ ساخت مانند است به کلمات a-karana، یعنی «بی‌کران»، a-saīia، یعنی «بی‌سایه»، -x<sup>v</sup>afna، یعنی «بی‌خواب»، و جز این‌ها.<sup>۱۰</sup> از این کلمات آن‌که برای ما جالب توجه‌تر است jīrō-sārā- است، برابر با زیرک‌سار فارسی و تنها شاهد آن عبارتی است از فقره دوازدهم بهرام یشت. از دو کلمه دیگر، starō-sārā- (یسن ۱۱/۱۱) نام کوهی است به معنای «آن‌که بر سرش ستارگانند» (از بلندی) و pəšō-sārā- (یسن ۳/۱۱) صفت دزدی است که محکوم است به این‌که سرش را به پادفره گناهی که کرده از دست بدهد و بنابراین، قابل مقایسه است با pəšō.tanū- که صفت گناهکارانی است که نشان تاوان گناهی است که کرده‌اند. این ترکیبات همه از نوع ترکیبات ملکی (bahuvrīhi) مانند گاوسار و سگسار و

۱۰. در کتیبه‌های موجود فارسی باستان شاهی از استعمال sārā- یا sarah- (یا صورت فارسی باستان آن‌ها \*θāra- و \*θarah-) نیست، ولی در نام‌های خاص به‌دست‌آمده از اسناد عیلامی شواهد قابل توجهی از sārā- و θāra- در جزء اول و دوم ترکیبات می‌توان یافت؛ رک.

J. TAVERNIER, *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.)*, Leuven, 2007, pp. 150, 235, 309, 310, 329, 343, 384, 396, 431, 605, 625.

۱۱. این همان کلمه است که در جزء اول استخوان و در جزء دوم پیلسته و در کلمه هسته (و گونه دیگر آن، خسته) بازمانده‌است.

12. Cf. K. HOFFMANN and B. FORSSMAN, *Avestische Laut- und Flexionslehre*, Innsbruck, 2004, p. 90.

نمونه‌های دیگر را می‌توان در همین کتاب یافت.

۱۳. نمونه‌های دیگر از کلمات ساخته‌شده با -a نغی و اسم در اوستا را می‌توان در این کتاب یافت:

J. DUCHESNE-GUILLEMIN, *Le composé de l'Avesta*, Paris, 1936, pp. 187f.

این هر دو گونه سر و سار را نباید مخفف یا مثل یکدیگر شمرد، آن‌چنان‌که ممکن است بعضی ادبا یا فرهنگ‌های لغت شمرده‌باشند، بلکه اصل آن‌ها را باید در ایرانی باستان، از جمله در اوستا، یافت.<sup>۱۰</sup> سر فارسی بازمانده از sarah- ایرانی باستان است. از این sarah- جز یک شاهد در اوستا به دست نیست و آن فقره چهلیم از مهر یشت است. در این فقره، که سخن از فرود آمدن تیغ و گرز بر سر دشمنان است، دو بار این کلمه در حالت دری جمع به صورت sarahu mašiiākanam («بر سر مردمان») به کار رفته‌است. sarah- اوستایی برابر است با sīras- سنسکریت و این دو بازمانده از \*k<sup>r</sup>f-h<sub>2</sub>-os\* هندی‌واروپایی اند. هندی‌واروپاییان ظاهراً میان استخوان (مطلق استخوان)، که آن را -h<sub>2</sub>ost\* می‌گفته‌اند<sup>۱۱</sup> و استخوان سر، که آن را -ker\* می‌گفته‌اند، به فرقی قائل بوده‌اند. اگر چنین باشد، \*k<sup>r</sup>f-h<sub>2</sub>-os\* مشتقی است از صورت ضعیف ماده -ker\*. این‌که در ایرانی باستان پس از صامت اول یک a هست که در صورت سنسکریت وجود ندارد از آن‌جاست که صامت حنجره‌ای هندی‌واروپایی (H) بعد از r و ! (یعنی r و l هجایی) در ایرانی باستان به صورت -ar- درآمده‌است، مانند -dlh l gho\* که در سنسکریت بدل به -dīrgha- و در ایرانی باستان بدل به -darga\* (قس darəg/γa) اوستایی و دیر فارسی) شده‌است.<sup>۱۲</sup>

اما sārā- در اوستا پرکاربردتر است؛ لااقل یک بار به صورت بسیط در فقره هفتاد و هفتم آبان یشت به کار رفته و در چند کلمه به‌عنوان جزئی از کلمه مرکب. نخست از کاربرد بسیط آن یاد می‌کنیم. در آن فقره از آبان یشت یکی از پهلوانان خاندان نوذر خطاب به ناهید، ایزد مردمان اوستایی، می‌گوید:

yaθ-mē auuauuāθ daēuuaiiasnanam nijatəm yaθa sārəm varsanam barāmi.

... که من چندان از پرستندگان دیوان کشته‌ام که بر سر موی دارم.

از پنج کلمه مرکبی که یک جزء آن‌ها sārā- است، در یکی sārā- جزء اول ترکیب است و در چهار کلمه دیگر جزء دوم ترکیب. آن یکی sārā-uuāra- است، یعنی «پوشاننده سر»، «ترگ» و «خود» که یک بار در فقره نهم از فصل

دیوسار و دیوانه‌سار و خیره‌سار و جز این‌هاست که در صفحات گذشته فهرست نمودیم.

sāra- ایرانی باستان مشتق است از  $*k\bar{e}rh_2-o-$  هندی‌واروپایی و این خود ظاهراً مشتقی است از  $*k\acute{e}r-h_2-$  به معنای «استخوان سر». پس آن‌چه با پسوند  $-o$  از  $*k\acute{e}r-h_2-$  بر روی درجهٔ بالانده ساخته شده منسوب به آن است به معنای «ساخته‌شده از استخوان سر»، و از این‌جا «جمع‌مه». ساختن این‌گونه صفات نسبی از اسم روشی معمول در لغت‌سازی بوده است، مانند ساختن  $\acute{a}yas\acute{a}$ - در هندی باستان بر روی  $\acute{a}yas-$  به معنای «فلز». بنابراین،  $\acute{a}y\acute{a}sa-$  هرچند خود به معنای «فلز» به کار رفته، در اصل صفت نسبی است به معنای «فلزی» با تغییر در درجهٔ مصوّت و افزودن پسوند نسبت به آن. از این نظر،  $\acute{a}yas\acute{a}$ - را می‌توان با زرینه و سیمینهٔ فارسی مقایسه کرد.<sup>۱۴</sup>

آن‌چه ظاهراً از این شرح به دست می‌آید، و نتیجهٔ این گفتار است، این است که از دو صورتی که کلمهٔ «سر» در ایرانی باستان داشته، رفته رفته یکی بیش‌تر به عنوان جزء دوم ترکیب استعمال شده و آن  $s\acute{a}ra-$  بوده است. استعمال  $s\acute{a}ra-$  در جزء دوم ترکیبات چندان بوده که از استعمال آن به عنوان جزء اول ترکیبات جز شواهدی اندک در ایرانی میانه به دست نیست و به عنوان کلمهٔ بسیط ظاهراً هیچ‌گاه در ایرانی میانهٔ غربی به کار نرفته است. این همان میراثی است که به فارسی دری رسیده است. در فارسی، به خلاف سر که هم به عنوان کلمهٔ بسیط در همهٔ معانی به کار رفته و هم در جزء اول و دوم ترکیبات، ظاهراً نمی‌توان شاهدی از سار به عنوان کلمهٔ بسیط یافت و همین را ظاهراً می‌توان دربارهٔ سار به عنوان جزء اول ترکیبات گفت. آن‌چه هست شواهدی است از سار به عنوان جزء دوم ترکیباتی که عمدتاً ترکیبات ملکی‌اند. مع هذا در فارسی این نوع کلمات را به واسطهٔ قیاس توسعه داده‌اند، به طوری که شمار آن‌ها بسیار بیش از آن چیزی است که از ایرانی میانه به ما رسیده است و با این همه شمار آن‌ها در قبال سر بسیار اندک است، به طوری که باید گفت سار در فارسی گونهٔ مشروط سر است. از کلماتی که در صفحات قبل فهرست شد، شاید فقط جزء دوم نگوئسار را باید از اصلی دیگر غیر از  $s\acute{a}ra-$  ایرانی باستان به حساب آورد و ممکن است شرمسار و

۱۴. این همان لغت است که بعضی بدون آن‌که به قواعد تغییر درجهٔ مصوّت‌ها (آبلاوت) توجه در ست داشته‌باشند، اصل خایسک فارسی را در آن جست‌اند و متوجه نبوده‌اند که تغییر درجهٔ مصوّت‌ها قاعده‌ای صرفی است و نمی‌توان یک صورت  $*\acute{a}yaska-$  در ایرانی باستان فرض کرد، بی آن‌که به  $\acute{a}yah-$  ایرانی باستان پس‌وندی افزوده شده‌باشد که تغییر درجهٔ مصوّت را توجیه کند. این مقدماتی‌ترین چیزی است که در قواعد آبلاوت باید دانست.

۱۵. دربارهٔ اصل هندی‌واروپایی کلمات سر و سار رجوع نویسنده عمدتاً به این کتاب بوده است:

A. J. NUSSBAUM, *Head and Horn in Indo-European*, Berlin, 1986.

نظر فعلی نویسنده با آراء یوزف مارکوارت نیز در مقالهٔ معروف او دربارهٔ نام قفقاز اختلاف دارد. با این حال، آن مقاله در این مسأله نیز، مانند دیگر مسائل طرح‌شده در آن، هنوز هم حائز اهمیت بسیار است:

J. Markwart, "Woher stammt der Name Kaukasus," *Caucasica*, 6, 42ff.

# Gozaresh-e Miras

101

Quarterly Journal of Textual Criticism,  
Codicology and Iranology  
Third Series, vol. 7, no. 4, Winter 2022  
[Pub. Winter 2024]

**Proprietor:**

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

**Managing Director & Editor-in-Chief:**

Akbar Irani

**General Editor:**

Masoud Rastipour

**Managing Editor:**

Younes Taslimi-Pak

**Cover:**

Mahmood Khani

**Print:**

Miras

No. 1182, Enghelab Ave.,  
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,  
Tehran, Iran

**Postal Code:** 1315693519

**Tel:** 66490612, **Fax:** 66406258

**Website:** [www.mirasmaktoob.com](http://www.mirasmaktoob.com)

**E-mail:** [gozaresh@mirasmaktoob.ir](mailto:gozaresh@mirasmaktoob.ir)



## Table of Contents

### Editorial

Jalal Matini and His Contributions to the Persian Written Heritage ..... 3-4

### Articles

*Takhbīr al-Kalām*: A Newly Found Work by Sayf al-Dīn Isfarangī on the Reasons for Revelation of Some of the Quran's Surahs and Verses / Behrouz IMANI ..... 5-9

A Remnant of the Seljuq Period in Aleppo / Ahmad KHAMEYAR ..... 10-12

A Few Mongolian Words and Expressions in *Al-Wasā'il Ilā al-Rasā'il* / Ali SAFARI AQ-QALEH ..... 13-19

By the Might of the Royal Arm: on the Georgian Name of Allāhwerdī Khān / MohamadSadegh MIRZAABOLQASEMI .... 20-22

In Defense and Devotion: Affective Practices in Early Modern Turco-Persian Manuscript Paintings / Christiane GRUBER; Translated by Nastaran NEJATI ..... 23-50

Three Etymological Notes / Hassan REZAI BAGHBIDI; Translated by Milad BIGDELOO ..... 51-54

Some Evidence for the Accuracy of Bundari's Translation of *Māda Sihr* to *Nāqatu Binti Thalāthīn* / Hossein SHAHRABI ..... 55-63

On the Monostichs and Quatrains of Hussayn 'alī Mīrzā Farmānfarmā / AliReza KHAZAI ..... 64-69

An Introduction to the Challenges of Cataloging Persian Manuscripts in Poland: An Overview of the Manuscripts of *Bahār-i Dānish* and *Ṭuṭī Nāma* in Warsaw and Wrocław / Stanislaw Adam JAŚKOWSKI ..... 70-80

Newly Discovered Poems of Khālis-i Astarābādī / Seyyed Hadi MIRAGHAI ..... 81-87

### Reviews and Critiques

A Contemplation on the Edition of *Ahsan al-Qiṣaṣ*: Collating the Edited Text with the Base Manuscript (Preserved in the Library of Celebi Abdullah in Turkey) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR ..... 88-99

A Review of the Textual Variations Between the Edited Text of *Zarrin Qabā Nāma* and a Newly Discovered Manuscript / Sadegh ARSHI ..... 100-113

### Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (15) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI ..... 114-117

### Iran in Ottoman Texts and Sources (28)

Life and Works of Freydund Beyk / Nasrollah SALEHI ..... 118-122